

سیاست در سایه سکوت



افشین حبیب‌زاده

عضو شورای مرکزی خانه کارگر

در سیاست، همیشه آن چه گفته می‌شود مهم نیست؛ بلکه گاه آن چه گفته نمی‌شود، مهم‌تر است. گفتار رسمی سیاستمداران در اغلب جوامع، اعم از دموکراتیک یا اقتدارگرا، معمولاً پر است از واژگان پرزنامه‌محور، شعارهای امیدبخش، و روایتهایی که برای اقناع مخاطب ساخته شده‌اند. اما ورای این لایه‌های برفونی، موضوعاتی وجود دارد که در حاشیه مانده‌اند، نه به این دلیل که کم‌اهمیت‌اند، بلکه دقیقاً به این دلیل که بیش از حد تعیین‌کننده‌اند؛ تا جایی که صحبت‌کردن درباره آنها، ممکن است روایات غالب را به چالش جدی بکشاند. این یادداشت، تلاشی است برای باز کردن پنجره‌ای به‌سوی بر خی از این «ناگفته‌ها»، مسائلی که در سیاست‌گذاری‌ها، گفتمان‌های عمومی، و روایت‌های رسانه‌ای جای خالی‌شان محسوس است، ولی غیبت‌شان اغلب نادیده گرفته می‌شود. هدف تحلیل ساختاری وی‌پی طرفانه از روندهایی است که در همه‌جای جهان به‌اشکال مختلف جریان دارند، اما بمن‌دت به‌صراحت مورد بحث قرار می‌گیرند؛ در ذیل تلاش می‌کنیم به‌برخی از آنها اشاره کنیم.

روایت‌سازی به جای مسئله‌سازی

یکی از ویژگی‌های سیاست در عصر رسانه‌های جمعی، گرایش شدید به ساختن روایت به‌جای تحلیل واقعیت است. این فرآیند، که در ادبیات علوم سیاسی با مفاهیمی چون agenda setting و framing شناخته می‌شود، به سیاستمداران این امکان را می‌دهد که از میان انبوهی از مشکلات موجود، تنها برخی را انتخاب کرده، به آن‌ها چار چوب معنایی خاص بدهند و سپس راه‌حل‌هایی متناسب با همان چار چوب ارائه کنند. به‌عنوان مثال، در مواجهه با نارضایتی‌های اجتماعی یا اقتصادی، به‌جای بررسی ساختارهای تولید نابرابری، یا دلایل ضعف در نظام توزیع منابع یا ناکارآمدی‌های نهادی مزمن، معمولاً به‌عواملی همچون «سوءمدیریت مقطعی»، «اخلال دشمنان»، «کم‌بری مردم»، «نبود فرهنگ کار»، «توطئه رسانه‌ها» و یا حتی «تغییر سبک زندگی» ارجاع داده می‌شود. بدین ترتیب، علت‌های ریشه‌ای جای خود را به روایت‌هایی قابل فهم اما سطحی می‌دهند که با منافع کوتاه‌مدت سیاسی هم‌راستا هستند. این وضعیت البته مختص یک کشور یا ساختار خاص نیست. در بسیاری از دموکراسی‌های پیشرفته نیز، روایت‌سازی به ابزاری برای فرار از پاسخ‌گویی ساختاری تبدیل شده است. نمونه‌ی بارز آن، استفاده‌ی گسترده از واژه‌هایی چون «تروریسم»، «امنیت ملی» یا «منافع مردم» است که بار معنایی سنگینی دارند اما اغلب برای فرار از شفاف‌سازی به کار می‌روند.

تصمیم‌گیری در غیاب شفافیت ساختاری

در بسیاری از نظام‌های سیاسی، تصمیم‌گیری واقعی با آن چه در ظاهر مشاهده می‌شود، تفاوت‌های معناداری دارد. فارغ از نظام سیاسی حاکم، این واقعیت وجود دارد که بخشی از تصمیم‌سازی‌ها در لایه‌هایی صورت می‌گیرد که نه شفاف‌اند و نه در معرض نظارت عمومی. در ادبیات علوم سیاسی، این پدیده با اصطلاحاتی چون «دولت پنهان» (deep state)، «ساختارهای موازی»، یا «الیت‌های غیرپاسخ‌گو» توصیف می‌شود. اگر چه بسیاری از دولت‌ها وجود چنین ساختارهایی را انکار می‌کنند، شواهد تجربی و مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در اغلب کشورها، نوعی دوگانگی میان «ساختار قانونی» و «ساختار واقعی» وجود دارد؛ حتی در دموکراسی‌های تثبیت‌شده. غیبت شفافیت ساختاری، نه تنها مشروعیت تصمیمات را تضعیف می‌کند، بلکه نوعی بی‌اعتمادی عمومی نسبت به فرآیند تصمیم‌سازی ایجاد می‌کند. این بی‌اعتمادی، خود را به‌صورت چرخه‌های مکرر اعتراض، بی‌تفاوتی سیاسی، یا افزایش کنش‌های رادیکال در جامعه نشان می‌دهد.

سکوت در باره هزینه‌های فرصت

در سیاست‌گذاری، معمولاً توجه اصلی بر هزینه‌های مستقیم متمرکز است، به عنوان مثال چقدر بودجه لازم است؟ چه تعداد نیرو باید به کار گرفته شود؟ چه تأثیری بر آمارهای اقتصادی دارد؟ اما چیزی که به‌ندرت در محاسبات وارد می‌شود، هزینه‌های فرصت (opportunity cost) است؛ یعنی آن چه در نتیجه‌ی اتخاذ یک سیاست اشتباه از دست می‌رود، بدون آن که مستقیماً قابل مشاهده یا سنجش باشد. برای مثال، در بسیاری از کشورها،

سیاست‌گذاران ممکن است در مواجهه با بحران کم‌آبی یا فشارهای عمومی بر زیرساخت‌ها، تصمیم به اجرای پروژه‌های بزرگ انتقال آب بین حوضه‌ای یا طرح‌های عمرانی پرهزینه بگیرند. این تصمیمات در ظاهر پاسخ به نیاز فوری است، اما هزینه‌های فرصت آن چیست؟ اگر همان منابع به جای سرمایه‌گذاری در بهینه‌سازی مصرف، باز چرخانی آب، ارتقای بهره‌وری کشاورزی یا آموزش جوامع محلی در مدیریت منابع تخصیص می‌یافت، احتمالاً پایداری بلندمدت بیشتری حاصل می‌شد. در واقع، ترجیح پروژه‌های سریع‌الثر بر اصلاحات زیرساختی، نمونه‌ای روشن از نادیده گرفتن هزینه‌های فرصت در تصمیم‌گیری است. سیاست خارجی نیز از این قاعده مستثنا نیست. تمرکز بیش از حد بر تنش‌ها، بدون محاسبه‌ی دقیق فرصت‌های از دست‌رفته در حوزه‌های اقتصادی، فناوریانه یا دیپلماتیک، می‌تواند به تحمیل یک پارادایم پرهزینه در بلندمدت منجر شود.

بحران‌های نرم؛ بی‌صدا اما ویران‌گر

برخی بحران‌ها در سیاست، چون صدای انفجار ندارند، شنیده نمی‌شوند. آن‌ها نه خیابان را می‌پندند، نه تیت‌ریک روزنامه‌هایی شوند، و نه مستقیماً آمار بیکاری یا تورم را بالا می‌برند. اما اثرات‌شان بر بافت اجتماعی و سیاسی، اگر عمیق‌تر نباشد، کم‌تر هم نیست. از جمله‌ی این بحران‌ها می‌توان به فرسایش سرمایه اجتماعی، مهاجرت نخبگان، و کاهش مشارکت سیاسی واقعی اشاره کرد. در مواجهه با این بحران‌ها، سیاستمداران اغلب یا سکوت می‌کنند یا به‌جای پرداختن به ریشه‌های اصلی و پاسخ‌گویی ساختاری، آن‌ها را به مشکلات فرهنگی، ضعف رسانه‌ای یا حتی «بی‌مهری مردم» نسبت می‌دهند. در حالی که در اغلب موارد، این پدیده‌ها محصول مستقیم سیاست‌گذاری‌های نادرست یا تصمیمات کوتاه‌مدت‌نگرانه‌اند. روایت غالب، آن‌ها را از حوزه‌ی مسئولیت‌پذیری سیاست خارج می‌کند. همین سکوت، به‌مرور سبب تعمیق شکاف بین جامعه و حاکمیت می‌شود.

ابهام در استراتژی بلندمدت

یکی دیگر از ناگفته‌های مهم در سیاست، فقدان استراتژی روشن و بلندمدت است. سیاستمداران اغلب در سطح تاکتیکی و روزمره عمل می‌کنند. تصمیمات آن‌ها بیشتر واکنشی‌اند تا پیش‌نگرانه، و بیشتر با اهداف انتخاباتی یا امنیتی کوتاه‌مدت تنظیم می‌شوند تا با اهداف توسعه‌ای و پایدار. مثلاً در حوزه محیط‌زیست و انرژی، به‌رغم هشدارهای علمی مداوم، سیاست‌ها اغلب متمرکز بر حل بحران‌های مقطعی نظیر قطع برق، کمبود آب، آلودگی هوا و خاک، یا فرسایش منابع طبیعی هستند، نه تدوین و اجرای راهبردهای تحول‌فرآین در انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی پایدار یا شهرسازی هوشمند. همین وضعیت در حوزه‌های دیگری مانند سیاست‌های صنعتی، فناوری، یا آموزش عالی نیز قابل مشاهده است. نبود استراتژی بلندمدت، کشورها را در برابر بحران‌های آینده آسیب‌پذیر می‌کند، و چرخه‌ای از «سیاست آتش‌نشانی» به‌وجود می‌آورد؛ یعنی حل موقت مشکلاتی که بارها باز می‌گردد.

نتیجه

و اما در جمع‌بندی موضوع باید گفت سیاست، اگر چه پر از گفتار است، اما آن چه در سکوت باقی می‌ماند، گاه بیشتر از هر سخنی بر سرنوشت ملت تأثیر می‌گذارد. سکوت در برابر مسائل ساختاری، بی‌پاسخی نسبت به بحران‌های نرم، و بی‌توجهی به هزینه‌های فرصت، نه تنها کیفیت حکمرانی را کاهش می‌دهد، بلکه شکاف بین جامعه و سیاست را نیز عمیق‌تر می‌کند. در جهانی که با پیچیدگی‌های فرآینده مواجه است — از بحران‌های محیط‌زیستی گرفته تا شکاف‌های دیجیتال (digital divide)، از تغییرات ژئوپلیتیک تا تحولات فرهنگی — سیاستی می‌تواند دوام بیاورد که توان گفت‌وگو با خود را داشته باشد؛ حتی در مورد مسائلی که گفتن‌شان سخت است. پذیرش ناگفته‌ها و تبدیل آن‌ها به موضوعات قابل بحث، نشانه‌ای از بلوغ سیاسی و شجاعت نهادی به مفهوم پذیرش مسئولیت و بازنگری در خطاها و مواجهه صادقانه با مسائل است؛ شجاعتی که می‌پذیرد همه واقعیت‌ها لزوماً دل چسب نیستند، اما پنهان کردن آن‌ها در بلندمدت، هزینه‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر دارد.

سیاست مسئولانه، نه در انکار کاستی‌ها، بلکه در باز کردن باب گفت‌وگو و پیرامون همین ناگفته‌ها تعریف می‌شود. تنها در چنین شرایطی است که اعتماد عمومی بازسازی می‌شود، سرمایه اجتماعی ترمیم می‌گردد، و تصمیم‌سازی‌ها رنگ پایداری و آینده‌نگری به خود می‌گیرند. در نهایت، سکوت در سیاست، اگر دائمی شود، از ابزار تبدیل به مانع می‌شود؛ مانعی برای توسعه، برای شفافیت، و برای گفت‌وگوی صادقانه میان حاکمیت و جامعه. شکستن این سکوت، نه تنها یک ضرورت اخلاقی، بلکه یک الزام راهبردی برای پایداری نظم سیاسی در عصر پیچیدگی‌هاست.

تیتریک

HEADLINE ONE

پزشکیان:

سلاح هسته‌ای نمی‌سازیم

رئیس جمهور در سازمان ملل خواستار توقف روند فعال سازی مکانیسم ماشه شد

هم‌درست در زمانی که در مسیر مذاکرات دیپلماتیک گام بر می‌داشتیم-خیانتی بزرگ به دیپلماسی و تضعیف‌کننده تلاش برای استقرار ثبات و صلح بود. این تجاوز گستاخانه، علاوه بر به‌شهادت رساندن تعدادی از فرماندهان، شهروندان، کودکان، زنان، دانشمندان و نخبگان علمی کشورم، ضربه‌ای سنگین به اعتماد بین المللی و چشم‌انداز صلح در منطقه وارد کرد.» او تأکید کرد: «اگر در برابر این هنجارشکنی‌های خطرناک نایستیم، این بدعت‌ها، دامن جهان را خواهند گرفت: حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان و نظارت بین‌المللی، تلاش علنی برای کشتن رهبران و مقامات رسمی دولت‌های عضو ملل متحد؛ هدف گرفتن سیستماتیک خبرنگاران و اهالی رسانه، و کشتن انسان‌هایی که صرفاً به علت دانش و تخصص‌شان به «اهداف نظامی» تبدیل می‌شوند. آیا اینها را برای خود می‌پسندید؟ کسانی که مرتکب این جنایات شده‌اند، باید بدانند که ایران، این کهن‌ترین تمدن پیوسته جهان، همواره در برابر تندبادهای تاریخ، استوار ایستاده است. این ملت با روحی سترگ و اراده‌ای جاودان بارها ثابت کرده است که در برابر مهاجمان سر فرود نمی‌آورد؛ و امروز نیز در برابر متجاوزان، با اتکا به قدرت ایمان و انسجام‌ملی، سربلند ایستاده است.»

▼ جنگ ۱۲ روزه مردم ایران را متحد کرد

رئیس‌جمهور درباره رفتار مردم ایران زیر فشارهای خارجی و جنگ اخیر گفت: «در دفاع دوازده‌روزه، مردم میهن‌دوست و دلاور ایران، محاسبه‌وهم‌آلود خودستایان متجاوز را به رخ آنان کشیدند. دشمنان ایران، ناخواسته اتحاد مقدس ملی را قوام بخشیدند. مردم ایران با وجود شدیدترین، طولانی‌ترین و سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی، جنگ روانی و رسانه‌ای و تلاش‌های مستمر برای ایجاد تفرقه، به‌مجزر شلیک نخستین گلوله به خاکشنان، یکپارچه حامی نیروهای مسلح دلیر خود شدند و امروز نیز خون شهیدان‌شان را پاس می‌دارند. من در اینجا به نام مردم ایران، از تمام شخصیت‌ها، ملت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که در این جنگ، با ایران همدل بودند، صمیمانه تشکر می‌کنم.»

▼ هشدار درباره طرح اسرائیل بزرگ

پزشکیان با هشدار درباره جاه‌طلبی‌های اسرائیل در منطقه، ادامه داد: «امروز پس از نزدیک به دوسال نسل‌کشی، گرسنگی دادن جمعی و ندایم آیرتاید در داخل سرزمین‌های اشغالی و تجاوز به همسایگان، طرح مضحک و متوهمانه «اسرائیل بزرگ» با وفاق از سوی بالاترین سطوح این رژیم عنوان می‌شود. این طرح، بسیاری از سرزمین‌های منطقه را در بر می‌گیرد. این نقشه، نشان‌گر اهداف و مقاصد واقعی رژیم صهیونیستی است که اخیراً مورد تأیید نخست‌وزیر آن نیز قرار گرفته است. هیچ‌کس در جهان، از نیات متجاوزانه این رژیم در امان نیست. مسلم است که رژیم صهیونیستی و حامیان آن دیگر حتی به عادی‌سازی از راه سیاسی رضایت ندارند؛ حضور خود را بر زور عریان تحمیل می‌کنند و آن را «صلح از طریق قدرت» نام‌گذاری کرده‌اند. اما این نه صلح است و نه قدرت؛ بلکه تجاوزگری مبتنی بر زورگویی و قلدری است.»

او تأکید کرد: «اما، ما ایران قدرتمندان را، در کنار همسایگان قدرتمند و در منطقه‌ای قوی، با آینده‌ای روشن می‌خواهیم. ما در برابر کلان‌پروژه‌ای که نسل‌کشی، تخریب و بی‌ثباتی را به منطقه تحمیل می‌کند، از چشم‌اندازی مشترک و امیدبخش دفاع می‌کنیم؛ چشم‌اندازی که امنیت جمعی را با

گروه خبر: رئیس‌جمهور در سومین روز از برگزاری هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کرد. مسعود پزشکیان که روز اول مهرماه وارد نیویورک شد، چهارمین سخنران این روز مجمع بود. او موضوع جنگ ۱۲ روزه، جنایات اسرائیل در منطقه، استانداردهای دوگانه در قبال قوانین بین‌المللی را محور صحبت‌های خود قرار داده بود. او در این سخنرانی به فشارهای همه‌جانبه به ایران طی سال‌های گذشته اشاره کرد. رئیس‌جمهور در حالی پشت تریبون سازمان ملل متحد رفت که پوسترى از کودکان شهید جنگ ۱۲ روزه و کتابچه‌ای با عنوان «Killed By Israel» همراه خود داشت و آن‌ها را در برابر دوربین‌های حاضر در صحن مجمع، بالا برد. این کتابچه که به زبان انگلیسی چاپ شده، حاوی اطلاعاتی از شهدای جنگ ۱۲ روزه است.

▼ جنگ‌های فراگیر در هشتادمین سالگرد سازمان ملل

رئیس‌جمهور در آغاز صحبت‌های خود، با اشاره به شعار هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل، گفت: «شعار امسال، «هشتادسال، و بیشتر برای صلح، توسعه و حقوق بشر» در حقیقت فراخوانی برای همبستگی و نگاهی مشترک به آینده روشن‌تر است. اعتقاد و باور دینی ما و دعوت همه پیامبران نیز، بر مبنای برابری حقوق همه‌ی انسانهاست. آنچه انسان را شایسته‌تر می‌سازد، تقواست: یعنی راستی، خرد، پاکی و نوع‌دوستی. زیربنای همه ادیان الهی و وجدان بشری این قاعده طلایی است که: «هر آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران نیز نپسند.» حضرت مسیح (ع) فرمود: با دیگران چنان رفتار کنيد که دوست دارید با شما رفتار شود؛ پیامبر اسلام(ص) فرمود: «هیچ یک از شما مؤمن واقعی نیست مگر آنکه برای دیگران، همان را بخواهد که برای خود می‌خواهد؛» حکیم هیلل (Hillel)، عصاره تورات را چنین بیان کرد: «آنچه‌بر تو ناپسند است، بر دیگران نیز روا مدار؛» در سنت‌های مشرق‌زمین نیز آموزه مرکزی، همین اصل است؛ و مکتب اخلاقی سکولار نیز با عقلانیت مبتنی بر وجدان، به‌همین نتیجه رسیده‌اند.»

او با اشاره به وضعیت فعلی جهان ادامه داد: «آیا جهان ما چنین است؟ به دو سال گذشته بنگریم؛ جهان در دو سال گذشته، نظاره‌گر نسل‌کشی در غزه بود؛ نظاره‌گر ویرانی خانه‌ها و نقض مکرر حاکمیت و تمامیت ارضی در لبنان بود؛ نظاره‌گر تخریب زیرساخت‌های سوریه بود؛ نظاره‌گر حمله به مردم یمن بود؛ نظاره‌گر گرسنگی اجباری کودکان تحیف در آغوش مادران بود؛ نظاره‌گر شبیخون درذانه به حق حاکمیت کشورها، تجاوز به تمامیت ارضی دولت‌ها و هدف‌گیری عریان رهبران ملت‌ها بود؛ و همه اینها با پشتیبانی تمام‌عیار مسلح‌ترین حکومت جهان و به بهانه دفاع از خود-آیا اینها را برای خود می‌پسندید؟ چه کسی برهم‌زننده ثبات منطقه و جهان است؟ چه کسی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است؟ چه کسی ناقض قاعده طلایی اخلاقی بشر است؟»

▼ جهان شاهد حمله و تجاوز به ایران بود

پزشکیان با یادآوری حمله سه ماه قبل اسرائیل و آمریکا به ایران، ادامه داد: «همه‌شما شاهد بودید که در خرداد گذشته، کشور من، مورد تهاجمی وحشیانه و خلاف اصول مسلم حقوق بین‌الملل قرار گرفت. حملات هوایی رژیم صهیونیستی و ایالات‌متحده آمریکا به شهرها، خانه‌ها و زیرساخت‌های ایران-آن

جزایر قدرت توصیه‌کنندگان

توضیحات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره سر مقاله هم‌میهن با عنوان «چاه ویل توصیه»

هم‌میهن و سایر اهل رسانه نتوانند کمک به حل آن کنند مداخله افرادی است که از حوزه رسانه وارد شرکت‌ها شده‌اند و در مناصبی مانند روابط عمومی قرار گرفته‌اند و سپس با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای از مدیران حمایت کرده و به‌تدریج در قدرت آن‌ها شریک شده‌اند. این افراد نیز، مانند نمایندگان مجلس، درصد محدودی از فعالان روابط عمومی را شامل می‌شوند، اما پیامدهای عملکردشان کمتر از موارد مشابه نیست. این افراد نیز باید در جایگاه درست خود قرار گیرند تا امکان مدیریت مناسب بنگاه‌ها فراهم شود.

گروهی دیگر از افراد در دستگاه‌های نظارتی بوده‌اند که سمت خود را از دستگاه‌های مذکور به هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت‌ها تغییر داده‌اند. آن‌ها ابتدا با هشدار به هیئت‌مدیره و مدیرعامل و سپس با ورود به مناصب اجرایی شرکت، مشکلاتی ایجاد کرده‌اند. علاوه بر این‌ها، حتی مشاهده شده که کسانی که به‌عنوان هیئت‌های مذهبی-که برای ایام خاص مراسمی در شرکت‌ها برگزار می‌کنند-نیز وارد مناصب اداری شده و ابتدا از طریق حمایت از مدیران و سپس با حضور در مناصب اجرایی، صاحب قدرت شده‌اند.

قرار گرفتن این نیروها در کنار هم و در دل شرکت‌های وابسته به صندوق‌های بانزشتگی باعث‌پیدایش «جزایر قدرت» در شرکت‌ها شده است؛ جزایر قدرتی که اعمال نظم شرکتی یا حاکمیت شرکتی را به‌شدت مختل کرده و شرکت‌ها را از انجام اهداف اصلی‌شان باز داشته‌اند. زوال شرکت‌های بزرگی مانند آسمان، چوکا، کش‌ملی، پتروشیمی آبادان، ذوب‌آهن اصفهان و همچنین کاهش سودآوری در همه شرکت‌ها-از جمله شرکت‌های دارویی (که زمانی ذیل مجموعه سازمان تأمین اجتماعی پیش‌تان نوآوری و رهبر بازار بودند)، باید بر اساس همین

انتشار بخشی از اسناد ر‌بوده‌شده از اسرائیل

و دانشمندان اسرائیلی درگیر در برنامه‌های تسلیحاتی، اتمی و همچنین اقدامات سرویس اسرائیل در حوزه‌های مختلف می‌شود. خطیب در بخشی از صحبت‌های خود در این برنامه، به این موضوع اشاره کرد که افرادی از درون اسرائیل با انگیزه‌های مالی و نفرت از نتانیا‌هو، در این عملیات با دستگاه اطلاعاتی ایران همکاری کردند و همچنان با ایران مرتبط هستند.

خبر آخر

گزارش یک

بازتاب